

بررسی و تحلیل اندیشه‌های اجتماعی و جمعیتی امام محمد غزالی در باب مهاجرت

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۹

علی انتظاری^۱

عهدیه اسدیپور^۲

چکیده

مقاله پیش‌رو در پی شناخت گزیده‌ای از اندیشه‌های جمعیتی غزالی در باب پدیده‌های مهاجرت یا به تعبیر خود وی، «سفر» است. وی اندیشه‌های خود را حدود نهمصد سال پیش در کتاب *احیاء علوم‌الدین* و همچنین کتاب *کیمیای سعادت*، که فشرده فارسی اثر فوق است، ارائه نمود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. بنابر یافته‌های تحقیق، او بسیاری از ابعاد پدیده مهاجرت را، که دوران کنونی مطرح هستند، بررسی کرده است. وی مهاجرت را پدیده‌ای گروهی، اختیاری و غالباً کوتاه‌مدت دانسته که به دلایل مختلف نظیر اوضاع نامساعد اقتصادی و گرانی، در جهت کسب علوم مختلف دینی، آیات خدای روی زمین و غیره صورت می‌پذیرد. وی همچنین قائل به ارتباط تنگاتنگ میان مهاجرت و عمران و آبادانی است و در نوشته‌های خویش به روایت‌های تاریخی و احادیث استناد می‌کند که این امر ناشی از عقاید و باورهای این متفکر مسلمان است.

واژگان کلیدی: غزالی، سفر، مهاجرت.

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی: entezari@atu.ac.ir

۲. عضو گروه پژوهشی توانمندسازی خانواده‌های آسیب پذیر جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی (نویسنده

مسئول) ahdieasadpour@gmail.ir

مقدمه و بیان مسئله

تغییرات نظام ارزشی و هنجاری ایرانِ پساانقلاب منجر شده تا دانشمندان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی سعی نمایند در کنار یادگیری علوم ملل دیگر به علوم تمدن اسلامی، که سنخیت بیشتری با جامعه ایرانی دارد، رجوع نمایند. ردگیری این علوم قاعداً مستلزم توجه به آثار متفکران مسلمانی است که از این علوم سخن رانده‌اند. بررسی و ژرف‌نگری در آثار این دانشوران مسلمان درحقیقت، باز کردن دریچه‌ای برای بازناندیشی مسائل و پدیده‌های مختلف اجتماعی و جمعیتی است، زیرا بازنگری در نظریه‌های اصیل راه را برای طرح گسترده‌تر مسائل و مشکلاتی که جزئی از زندگی اجتماعی انسان است، باز و هموار می‌کند.

امروزه شناخت اندیشه متفکران مسلمان از امور مهمی است که در حیطه‌های علمی به معنای اعم مطرح است. این کار علاوه بر ارج نهادن به مقام والای علم و عالم، پیشینه نظرات علمی را در رشته‌های گوناگون از جمله جمعیت‌شناسی نشان می‌دهد و می‌تواند یاریگر پژوهشگرانی باشد که در پی بومی‌سازی علوم اجتماعی هستند. بدین ترتیب، بررسی و تحلیل آرای اندیشمندانی که با پشتوانه کتاب و سنت و در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی رشد کرده و با افکار بدیع و اصیل خود موجب گسترش و توسعه تفکر و پژوهش گشته‌اند، مورد نیاز جامعه اسلامی ایرانی پساانقلاب است.

یکی از این اندیشمندانی که اندیشه‌های ناب و اصیلی را در حوزه‌های مختلف علمی مطرح نموده، حجة الاسلام ابو حامد امام محمد غزالی^۱ طوسی است. وی زاده قرن است که به «قرن طلایی تمدن مسلمانان» یا «دوره رنسانس مسلمین» (متز، ۱۳۶۲: ۹) معروف است؛ یعنی قرن پنجم هجری قمری. قرن پنجم از نظر علمی و ادبی بسیار پررونق بوده است. غزالی با وجود پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین خانوادگی (خدیو جم ۱۳۸۳: ۹)، از این شرایط بهره کامل برد و مهاجرت‌ها موقت و نیمه دائم بسیاری (همچون مهاجرت به نیشابور و گرگان و...) در جهت کسب علوم زمانه انجام داد. وی در دوره‌ای زندگانی خویش به منصب «تدریس در دانشگاه

۱. او در غرب بیشتر با نام‌های Al-Ghazali و Algazel شناخته می‌شود.

نظامیه بغداد» (کارا دُو وُو، ۱۳۶۱: ۱۴۰)، که بالاترین منصب علمی آن دوره بود، دست یافت و از وی به‌عنوان «حجّه‌الاسلام» (همایی، ۱۳۵۱: ۱۵۰) و استاد برگزیده نظامیه بغداد یاد می‌شد. این مقاله در تلاش است تا اندیشه‌های جمعیتی وی را در باب مهاجرت از لابه‌لای اندیشه‌های اجتماعی، فلسفی، نجومی، حدیثی، تاریخی محض و... بیرون کشیده و در این مقاله به توضیح و گاه به دفاع و/یا نقد آن بپردازد.

هدف و پرسش تحقیق

با توجه به مطالب فوق، مقاله حاضر در پی آن است تا با مطالعه آثار برجای مانده از غزالی به اندیشه‌های جمعیتی وی در زمینه مهاجرت دست یابد. به عبارتی، هدف پژوهش حاضر شناخت آرا و اندیشه‌های جمعیتی غزالی در باب پدیده مهاجرت است.

با توجه هدف تحقیق، تحقیق حاضر با کنکاش در نوشتارهای غزالی درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که آیا غزالی به‌عنوان متفکر مسلمان بزرگ در قرن پنجم هجری به توصیف و تبیین پدیده مهاجرت به‌عنوان یکی از پدیده‌های مهم تغییرات جمعیتی یا مفاهیم نزدیک بدان توجه نشان داده است یا خیر؟ در صورت توجه بدین پدیده، چه ایده‌های را در این باب مطرح نموده و چگونه آن را تبیین نموده است؟ وی چه تعریفی از مهاجر و مهاجرت ارائه می‌دهد؟ آیا وی انواع مختلفی برای مهاجرت قائل است؟ از نظر وی، افراد به چه دلایلی دست به مهاجرت می‌زنند؟ غزالی چه پیامدهایی را برای مهاجرت برمی‌شمارد؟ دیدگاه‌های مطروحه غزالی چه تفاوت یا شباهت‌هایی با علم جمعیت‌شناختی امروزی در خود دارد؟

پیشینه تحقیق

غزالی در نوشته‌های عمیق و پرمغز خود، در باب موضوعات مختلفی سخن رانده که در دنیای امروز به دلیل تخصصی‌شدن علوم، به حوزه‌های مختلف علمی ارتباط پیدا می‌کند. بر همین مبناست که امروزه کتاب‌ها و مقالات متعددی تدوین و نشر داده شده‌اند که از جنبه‌های مختلفی به آثار برجای مانده از غزالی نگرسته‌اند. از آن جمله می‌توان به اندیشه‌های اجتماعی

(مرتضوی، ۱۳۹۲: ۱۵۷؛ ستوده، ۱۳۸۵: ۶۳-۵۸؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۲۵۰-۲۴۷)، روان-شناختی (ناجی و جوادی، ۱۳۸۸: ۱۲۹؛ عثمان، ۱۳۶۰؛ خوانساری و آذربایجانی، ۱۳۹۳: ۷۵۹)، سیاسی (لائوست، ۱۳۵۴؛ قادری، ۱۳۷۰؛ محرم‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۷۳؛ توانا و آذرکمند، ۱۳۹۴: ۴۹)، فلسفی (داوری اردکانی، ۱۳۸۸: ۸۷؛ اژدر، ۱۳۸۸: ۴۹؛ رضوان، ۱۳۸۹: ۷۱؛ خادمی، ۱۳۹۳: ۲۲۵؛ بلندهمتان، ۱۳۸۹: ۸۵)، دینی (پورسینا، ۱۳۸۶: ۱۵۵؛ بهشتی و یعقوبیان، ۱۳۸۷: ۹؛ توکلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵)، تربیتی (عطاران، ۱۳۶۶؛ ندایی و کوهستانی، ۱۳۹۱: ۵۵؛ بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۳؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۵) و زنان (رحیم‌پور، ۱۳۹۱: ۷۱) اشاره کرد.

بدون تردید، گستره و دامنه تفکرات و مطالعات این اندیشمند بزرگ تنها به رشته‌هایی مانند فلسفه، ادبیات، فقه و کلام و... محدود نمی‌شود و از این نگاه می‌توان با دیدی جمعیت‌شناختی به نوشته‌ها و آثار برجای‌مانده از وی نظر افکنده و دیدگاه‌های اسلامی و تاریخی‌شان نسبت به مسائل و پدیده‌های جمعیتی را از لابه‌لای نوشته‌های پرمایه و دقیقی که از خود به یادگار گذاشته، استنباط نمود. از نظر بررسی جمعیت‌شناختی آثار غزالی باید گفت یکی از بررسی‌های مفید در این زمینه کتاب *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی* در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. کتابی در تألیفش به بسیاری از اندیشه‌های جمعیتی متفکران مسلمان و غیرمسلمان در پهنه تاریخی اشاره نموده و غزالی از جمله این متفکران مورد اشاره وی است. علاوه بر این مقاله «بررسی و تحلیل مفهوم فرزندآوری از دیدگاه امام محمد غزالی» چاپ شده از انتظاری و اسدپور (۱۳۹۱) است که اندیشه‌های غزالی را در باب پدیده باروری به‌عنوان یکی از وقایع اساسی تغییر و تحولات جمعیتی بررسی و تبیین نموده‌اند. اما در هیچ‌یک از مطالعات فوق به اندیشه‌های جمعیتی غزالی در زمینه مهاجرت اشاره نشده است. خلأ مطالعاتی موجود در این زمینه، محققان را بر آن داشته است تا با کنکاش در کتاب *احیاء*، که اثر مهم غزالی است، به توصیف و تبیین موضوع فوق‌الذکر پردازند.

ملاحظات نظری

در این بخش از مطالعه، ابتدا به تعریف مفاهیم و سپس به بیان مبانی نظری مرتبط به پدیده جمعیتی مهاجرت خواهیم پرداخت.

تعریف مفاهیم

مفهوم محوری مطالعه پیش‌رو «مهاجرت»^۱ است. مهاجرت در کنار دو عامل زادوولد و مرگ‌ومیر منجر به تغییراتی در جمعیت یک منطقه می‌شود. در واقع، باروری^۲ و مرگ‌ومیر^۳ میزان رشد جمعیت را تعیین می‌کنند، اما اندازه جمعیت در کنار دو عامل مذکور به جابه‌جایی جمعیت وابسته است (لوکاس و میر ۱۳۸۷: ۱۲۵). جابه‌جایی جمعیت با تمام تفاوت‌هایی که با دو پدیده دیگر دارد (وحیدی، ۱۳۶۴: ۹-۱۰) به چه معناست؟ باید گفت برخلاف واقعه مرگ، جابه‌جایی واقعه‌ای است که ممکن است چندین بار در طول زندگی، یک فرد صورت پذیرد و در طی زمان و مکان اتفاق می‌افتد. بنابراین در تعریف مهاجرت باید دو مؤلفه «زمان» و «فضا» را مطمع نظر قرار داد. از نظر بُعد «فضا» مهاجرت بدین معناست که از طریق آن افراد، مناطق جغرافیایی مشخص را ترک کرده (مهاجر فرست)^۴ یا به آن وارد می‌شوند (مهاجر پذیر)^۵. در عین حال، جابه‌جایی‌های مکانی مشمول فرایند مهاجرت، معمولاً زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که حداقل به صورت نیمه دائم باشند. بر همین مبناست که پیترسون و پیترسون مهاجرت را «جابه‌جایی نسبتاً دائمی افراد در طی یک فاصله قابل توجه» توصیف می‌کنند (Peterson and Peterson, 1986: 566). منگلام و مرگان نیز هر دو بعد زمان و فضا را در تعریف خود از مهاجرت گنجانده و آن را «فاصله گرفتن نسبتاً دائمی یک جمع (مهاجران) از یک منطقه جغرافیایی به یک منطقه دیگر» می‌نامند (Mangalam and Morgan, 1968: 8).

در کنار تعریف از مهاجرت باید تعریف «مهاجر» را نیز مدنظر قرار داد. مهاجر به شخصی گفته می‌شود که به یک یا چند مهاجرت در طی یک فاصله زمانی اقدام کرده باشد (پرسا، ۱۳۷۴:

1. Migration
2. Fertility
3. Mortality
4. Sending country
5. Receiving country

۳۲۱). علاوه بر مهاجرت و مهاجر، باید به عنصر مفهومی دیگری تحت عنوان «انواع یا اشکال مهاجرت» را نیز مطمع نظر قرار داد. مهاجرت می‌تواند به صورت: ۱. گروهی^۱ و فردی^۲؛ ۲. اجباری^۳ و اختیاری^۴؛ ۳. قانونی و غیرقانونی^۵ (وحیدی، ۱۳۶۴: ۳۳-۱۵) صورت پذیرد. علاوه بر این، مهاجرت از نظر سرزمینی یا مکانی نیز به دو قسم مهاجرت داخلی^۶ و بین‌المللی^۷ و از نظر زمانی به دائمی و موقت تقسیم می‌شود.

چارچوب نظری

نظریه‌های مطروحه در حوزه مهاجرت، براساس مبانی و پیش‌فرض‌های مورد تأیید خود، بر علل به خصوصی جهت اقدام به مهاجرت افراد تأکید کرده‌اند.

برای نمونه، اقتصاددانانی چون روانشتاین^۸ (۱۸۸۹: ۲۰۵-۱۹۸) بر برتری انگیزه اقتصادی تأکید دارند. همچنین اورت لی^۹ که بر عوامل جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد مهاجرتی و همچنین عوامل بازدارنده و انگیزش‌های شخصی سخن به میان می‌آورد (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۶۱). نظریه «جذب و دفع»^{۱۰} مهاجرین را اشخاصی به حساب می‌آورد که به‌طور عقلایی، برای دستیابی به زندگی بهتر اقتصادی برانگیخته می‌شوند. درحقیقت، عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی باعث دوری مردم از محل سکونتشان شده و بالعکس آنها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مساعدی دارد جذب می‌کند. همچنین مایکل تودارو^{۱۱} نیز مهاجرت را بیشتر پدیده‌ای اقتصادی می‌داند که با وجود بیکاری در مبدأ، در نزد فرد مهاجر تصمیمی کاملاً منطقی تلقی می‌شود (۱۳۷۰: ۳۹۷). جان ترنر^{۱۲} نیز هم‌راستا با تودارو نظریه مهاجرتی خود را بر اقتصاد بنیاد نهاد است.

1. Collective migration
2. Individual migration
3. Forced migration
4. Voluntary migration
5. legal and illegal migration
6. Internal migration
7. External migration
8. Rovenstein
9. Everet. S. Lee
10. Pull and Push theory
11. Michael Todaro
12. John Turner

همان‌طور که گفته شد تفاوت در شرایط محیط‌های مختلف، افراد را برمی‌انگیزد تا برای دست‌یابی به زندگی بهتر یا برای فرار از شرایط نامساعد دست به مهاجرت بزنند. اما نکته پراهمیت این است که مهاجرت به هر دلیلی صورت پذیرد، آثاری را از خود در مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست برجای می‌گذارد. اولین پیامد افزایش یا کاهش شمار جمعیت است؛ بدین‌معنا که در مناطق مهاجرپذیر، در راستای افزایش جمعیت و در مناطق مهاجرفرست، در جهت کاهش جمعیت خواهد بود. دومین پیامد تغییر ترکیب جمعیت است که بیشتر در زمینه ساخت سنی و جنسی جمعیت خودنمایی می‌کند و درنهایت، به تغییر در ترکیب قومیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد. سومین پیامد مهاجرتی ایجاد تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوآوری‌ها (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳) است.

نگاهی به نظریه‌های مرتبط با علل مهاجرت، غلبه دیدگاه‌های اقتصادی (بیکاری و غیره) را نمایان می‌سازد. از نظر پیامدهای مهاجرت نیز، پیامدهای جمعیتی (تغییر میزان و ترکیب جمعیت) و پیامدهای اجتماعی تعریف و مشخص شده است. با توجه به نکات فوق‌الذکر، پژوهش پیش‌رو درصدد است تا با کنکاشی در آثار برجای مانده از غزالی به دیدگاه‌های وی در باب مهاجرت و علل و پیامدهای آن دست یازد.

روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی است که در آن از روش اسنادی^۱ بهره گرفته و از تحلیل سند سود جسته است. تحلیل سند در اینجا برآمده از دانش تخصصی علوم اجتماعی است و هرچند می‌تواند شامل اسناد تاریخی نیز باشد، اما دال بر مفهوم رایج و تخصصی سند در علم تاریخ نیست. ریچی^۲ و لویس^۳ در توضیح تحلیل سند می‌نویسند: «تحلیل سند شامل مطالعه اسناد موجود با هدف درک واقعی محتوا و چه با هدف روشن ساختن معانی عمیق‌تری است که ممکن است با سبک و/یا ظاهرشان آشکار شوند. اسناد می‌توانند از نوع عمومی مانند گزارش‌های رسانه‌ای، گزارش‌های دولتی

1. Documentary Research
2. Ritchi
3. Lewis

یا سایر مطالب عمومی و/یا اسناد آیین‌نامه‌ای مانند دستور جلسات، نامه‌های رسمی و درنهایت، اسناد شخصی مانند دفترچه خاطرات، نامه‌ها و عکس‌ها باشند. این روش خصوصاً در پژوهش‌هایی سودمند است که تاریخ حوادث یا تجربیات درخصوص مطالعاتی با محوریت مصاحبه‌های مکتوب است، مانند تحقیقات رسانه‌ای. کاربرد دیگر این روش در پژوهش‌هایی است که موقعیت‌ها یا رخدادها نتوانند به‌طور مستقیم مورد مشاهده و پرسش قرار گیرند» (۲۰۰۳: ۳۵).

اسناد موردنظر در این مطالعه، نخست، شامل اسناد دسته اولی است که غزالی به نگارش در آورده است. یکی از این متون برجای مانده از غزالی، کتاب *احیاء العلوم الدین* است که به‌صورت فشرده به زبان پارسی در کتاب *کیمیای سعادت* وی تدوین شده است. همایی بیان می‌دارد که غالب مباحث کتاب مذکور «نتیجه واقعات و الهامات و کشف و شهودهای غیبی دوران ریاضت و گوشه‌گیری غزالی از خلاق و توجه او بر روشنایی باطن و پرستش خالق» (۱۳۵۱: ۱۶۳) است که در سال‌های ۴۸۹-۴۸۸ هجری قمری یعنی همان ایام مسافرت غزالی- تألیف و تدوین شد. محققانی مانند زرین‌کوب این کتاب را ره‌آوردی معرفی می‌کند که غزالی «از سفر رهایی و گریز خویش آورد و تمام دگرگونی‌های اندیشه او در آن انعکاس» داشته (۱۳۵۶: ۱۳۳) و مقدمه‌ای است بر «حیات اشراقی وی» (لائوست، ۱۳۵۴: ۴). *احیاء العلوم* دارای چهار ربع (چهار بخش) است که عبارت‌اند از عبادات، عادات، مهلکات و منجیات (سروش، ۱۳۷۳: ۸-۹ و زرین‌کوب، ۱۳۵۶: ۱۵۵-۱۵۳).

علاوه‌بر اسناد دسته اول، مقالات و کتبی که پژوهشگران متخصص در این حوزه درباره وی تألیف و تدوین نموده‌اند و دست به خوانش آثار برجای مانده از ایشان زده‌اند نیز مورد بررسی قرار گرفته است. حال محقق قصد دارد با استناد به کتاب فوق، به بیان اندیشه‌های وی در باب مسائل جمعیتی هم‌چون مهاجرت بپردازد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق براساس سؤالات مطروحه در مطالعه تنظیم شده‌اند. نخستین پرسش این بوده است که آیا غزالی به پدیده مهاجرت - به‌عنوان پدیده‌ای جمعیتی - توجه نشان داده است. پاسخ

این پرسش مثبت است. مرور اثر گرانقدر غزالی، *احیا العلوم‌الدین*، نشان می‌دهد که وی به پدیده مهاجرت توجه کرده است. هرچند که وی از مفهوم «سفر» استفاده نموده است. پرسش دوم، درباره ایده‌های مطروحه توسط غزالی درباره مهاجرت است. باید گفت، در لابه‌لای اندیشه‌های غزالی، می‌توان به استنباطی از تعریف مهاجرت، انواع و دلایل آن و همچنین پیامدهای مهاجرت دست یافت. در ادامه هریک از موارد فوق تشریح خواهد شد.

تعریف مهاجرت در اندیشه غزالی و علم معاصر

در علم جمعیت‌شناسی معاصر، تعریف یگانه‌ای برای مهاجرت موجود نیست، زیرا روش واحدی جهت اندازه‌گیری آن وجود ندارد و هنوز هم تعریفی از مهاجرت که فارغ از فرایند اندازه‌گیری باشد مورد توافق متخصصان قرار نگرفته است. ولی به شکل کلی، این مفهوم در بردارنده چهار بعد اصلی است که عبارت‌اند از: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت (اوبرای، ۱۳۷۰: ۴۱). به عبارتی «جابه‌جایی شخص است که محل عادی و اصلی سکونتش» (پرسا، ۱۳۷۴: ۳۱۱) را به صورت «دائمی یا موقت» (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۰) تغییر می‌دهد. غزالی در مباحثی که در باب آداب سفر مطرح نموده، آن را دور شدن از خانه و کاشانه به صورت جسمی و ظاهری و یا دل-کندن از همه تعلقات به صورت باطنی می‌داند (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۲۷) که این امر «سبب رستن از مکروه و موجب رسیدن به مطلوب» (۱۳۶۶: ۵۲۹) می‌گردد و فرد مسافر یا به تعبیری مهاجر و کوچنده «پوشیده‌ها را کشف می‌کند» (۱۳۶۶: ۵۳۵). بدین ترتیب، غزالی برخلاف دیدگاه امروزی که به بعد عینی و ملموس مهاجرت توجه دارند، دو بعد برای مهاجرت قائل است: ۱. بعد باطنی و ۲. بعد ظاهری و عینی. در بعد ظاهری است که جسم فرد از یک مکان به مکان دیگر مهاجرت نموده و جابه‌جایی مکانی را تجربه خواهد نمود و این بعد از مهاجرت را می‌توان با مهاجرت امروزی مورد قیاس قرار داد. اما در بعد باطنی، جسم در مکان اولیه خود ثابت است و تحرک و جابه‌جایی-ای را تجربه نخواهد کرد اما باطن فرد از یک مقصد به مقصدی دیگر جابه‌جا خواهد شد. این بعد باطنی در مباحث عرفانی و دینی بسیار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد اما در علم تجربی جمعیت‌شناسی، مورد امعان نظر قرار نمی‌گیرد.

انواع مهاجرت

علاوه بر تعریف مهاجرت، که در بالا ذکر گردید، غزالی در کتابش به انواع مهاجرت نیز اشاره می‌کند. ویسفر را به دو شکل ظاهری و باطنی منفک می‌کند. «بدان که سفر دو گونه است: یکی آنکه به ظاهر تن باشد از خانه و وطن سوی بیابان. و دوم آنکه به سیر دل بود از اسفل السافلین سوی ملکوت» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۲۷) و از بین این دو، برتری را به سفر باطن می‌دهد و می‌گوید: «و از این دو سفر، شریف‌تر سفر باطن است؛ زیرا کسی که از حالی که بر آن زاده است برنگذرد بدانچه از جد و پدر تقلد نموده است بسنده کند، درجه قصور لازم باشد و به مرتبت نقص قانع شده، و عرصه‌ای را که عرض آن به فراخی آسمان‌ها و زمین است به تاریکی زندان و تنگی حبس بدل کرده» (همان: ۵۲۹) باشد.

غزالی سفر باطنی را بر سفر جسم برتری می‌دهد، چراکه از نظر او سفر باطنی پیامدهای مثبت بسیاری را برای فرد به همراه می‌آورد. وی درباره فردی که امکان سفر باطنی برایش میسر شده باشد، می‌گوید که: «سیر او در بهشتی که عرض آن به فراخی آسمان و زمین است متنزه باشد، اگرچه به تن ساکن باشد و در وطن مستقر. و آن سفری است که ... از بسیاری از مسافران غنیمت‌های آن بسیاری پذیرد و ثمرات و فواید آن تضاعف گیرد. چه غنیمت‌های آن دائم است که ممنوع نباشد، و ثمرات آن متزاید است که مقطوع نگردد، مگر چون مسافر را در سفر فترتی پدید آید و در حرکت توقیفی روی نماید» (همان: ۵۳۰). به عبارتی در سفر باطنی محدودیت و یا ممنوعیتی برای سفر وجود ندارد و فرد زمانی که به صلاحیت لازم رسیده باشد، چنین سفری در سرتاسر زمین و آسمان‌ها شروع کرده و از فواید آن بهره‌مند می‌گردد. از آنجایی که علم امروز یک علم تجربی است و هرچیزی که با استفاده از عقل قابلیت دفاع داشته باشد را می‌پذیرد، چنین سفری مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد و به عبارتی قابلیت اندازه‌گیری ندارد مگر در معارف اسلامی و عرفانی. اما غزالی بیان می‌دارد کسانی که در این وادی نمی‌توانند جولان دهند و از مزایای آن بهره‌مند گردند، «بسی باشد که به ظاهر تن خود در مدتی مدید فرسنگ‌ها سفر کند» (همان: ۵۳۱). به عبارتی از نظر غزالی، سفر تن زمانی به وقوع می‌پیوندد که سفر باطنی برای افراد میسر نباشد. بدین ترتیب، یکی از عوامل بروز سفر تن در نگاه غزالی «مشکلات

باطنی» افراد است. غزالی سفر تن را به انواع مختلفی منقسم می‌کند که در ذیل به معرفی و توضیح هریک خواهیم پرداخت.

- بر حسب تعداد

غزالی در بحث خود در باب آداب مسافر در ظاهر، بیان می‌دارد که ادب دوم این است که فرد رفیقی گزیند و تنها به سفر نرود؛ «چه اول رفیق باید پس طریق» (همان: ۵۴۷). مضاف بر این، وی با نقل حدیثی از پیامبر اکرم (ص) تعداد افراد مناسب در سفر را نیز بیان می‌دارد و می‌گوید: «پیامبر_صلی الله علیه و سلم_ از سفر تنهایی نهی فرموده است. و گفته است که سه تن گروهی [جماعتی] باشند» (همان: ۵۴۸).

در جمعیت‌شناسی امروز، مهاجرت گروهی دلالت بر جابه‌جایی گروهی جمعیت‌ها دارد که ساکنین مناطق بیشتر بر اثر تاخت‌وتاز و هجوم و/یا غارت مجبور به جابه‌جایی می‌شوند (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۶) و به‌طورکلی، مهاجرت‌های اجباری را از نوع مهاجرت‌های گروهی عنوان می‌کنند. اما در اندیشه‌های غزالی، مهاجرت به‌صورت گروهی مطرح می‌شود که به‌صورت اختیاری و با تصمیم خود افراد صورت می‌پذیرد. به‌عبارتی، اجباری وجود ندارد که مهاجرت به شکل گروهی و چند نفره صورت پذیرد بلکه می‌تواند به شکل فردی و به ابتکار و مسئولیت فرد نیز انجام شود. اما ترجیح غزالی به مهاجرت در گروه‌های دو یا سه نفره است و علت آن را شاید بتوان در امنیت چاده‌ها در آن دوره جست‌وجو نمود. ازطرفی، انسان همیشه در طول تاریخ در گروه‌های وسیع مهاجرت می‌کرده است.

- بر حسب معیار زمان

معیار زمان معیار دیگری است که بسیاری از محققان معاصر بر آن تأکید دارند، و پرسش اساسی آنان این است که فرد باید چه مدت از یک مکان بدور باشد تا مهاجر حساب شود؟ برخی معتقدند جابه‌جایی‌های مشمول فرایند مهاجرت، معمولاً زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که

حداقل به صورت نیمه دائم باشد برای نمونه «لی^۱» (لوکاس و میر، ۱۳۸۷) و اوبرای (۱۳۷۰: ۵۲).
غزالی می‌نویسد:

«و سری سَقَطی چون زمستان بیرون شدی صوفیان را گفتی که ماه آزار^۲ بگذشت و برگ
درختان تازه گشت و وقت سفر آمد، حالا سفر کنید» (۱۳۶۶: ۵۴۰).

می‌توان نقل غزالی در باب سفرهای فصلی را از مهاجرت‌های نیمه دائم و موقت در علم
جدید نام‌گذاری کرد که نشان از اسکان و انطباق مقطعی در مقصد دارد.

- برحسب آزادی در تصمیم‌گیری (اختیاری در برابر اجباری)

از نوشته‌های متفکر مسلمان غزالی می‌توان استنباط نمود که فرد مهاجر به صورت کاملاً اختیاری
در اثر شرایط و زمینه‌های خاص اقتصادی اجتماعی_فرهنگی تصمیم به سفر می‌گیرد.

عوامل و زمینه‌های مهاجرت

پرسش بعدی، که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی بدان برآمده، این است که از نظر غزالی
چه عواملی باعث می‌شود که فرد یا افراد جهت اقدام به مهاجرت برانگیخته شده و آن را در
دنیای واقعی عملی سازند. غزالی عوامل مرتبط به مهاجرت را به عوامل علمی_آموزشی، علل
عبادی، گریز از عوامل آشفته‌کننده دین، گریز از عوامل آسیب‌رسان به جسم انسان، کسب پول و
تماشا و تفریح مرتبط می‌داند. در ادامه هریک از علل فوق تشریح می‌شوند.

- عوامل علمی - آموزشی

این نوع مسافرت‌ها [مهاجرت‌ها] در طلب علم صورت می‌گیرند که از نگاه غزالی یا واجب
است یا نفل^۳. وجوب یا مستحب بودن مهاجرت به وجوب یا مستحب بودن «علم» برمی‌گردد.

1. Lae

۲. آذار یا آدار، ششمین ماه از سال کشوری و دوازدهمین ماه از سال دینی در تقویم عبری است. این ماه
در زمستان است و ۲۹ روز دارد. در سالکیسه، این ماه ۳۰ روز جلوتر رخ می‌دهد.

۳. عبادتی که واجب نبود. زیاده بر واجب. عبادتی که بر بنده واجب باشد. طاعت که نه فریضه بود نه سنت. عبادتی
که زائد بر فرایض و واجبات کنند. مندوب. مستحب (لغت‌نامه دهخدا). در فرهنگ معین نیز آمده است: عبادتی که
واجب نباشد، عبادت مستحب.

افراد در طلب سه نوع علم مهاجرت را اختیار می‌کنند که عبارت‌اند از: «دینی، علم اخلاق نفس و علم آیات خدای در زمین» (۱۳۶۶: ۵۳۴).

غزالی با ذکر نمونه‌هایی تاریخی_تجربی و نقل سخنانی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، تلاش نمود تا ادعای خویش در باب اقسام سفر [مهاجرت] در طلب علم را به صورت علمی پوشش دهد. در ادامه هریک از این اقسام تشریح می‌شوند.

۱. کسب علم دینی: وی سخنی را از پیامبر گرامی اسلام نقل نموده و می‌نویسد: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ؛ آن‌کسی که از خانه خود برای طلب علم بیرون آید، او در راه خدای باشد تا آن‌گاه که بازگردد» (۱۳۶۶: ۵۳۴). و همچنین سخن دیگر از ایشان که بیان می‌دارند: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ؛ آن‌کسی که در راهی رود که در آن علم طلبد، حق تعالی برای وی راهی سوی بهشت میسر گرداند» (همان: ۵۳۴).

علاوه بر استفاده از سخنان پیامبر برای تشریح این نوع مسافرت [مهاجرت] به نمونه‌ها و مصادیق تجربی نیز اشاره نموده است. یکی از این نمونه‌های تاریخی سفر فردی به نام سعید مسیب است. وی می‌نویسد: «سعید مسیب در طلب یک حدیث روزها سفر کردی. و شعبی گفت: اگر مردی از شام به اقصای یمن رود برای کلمه‌ای که به راه راست دلالت کند، سفر او ضایع نباشد». در این نمونه، نشان داده شده که این‌گونه مهاجرت‌ها عبث و بیهوده نیست. یا از سفر جابر عبدالله که «از مدینه رحلت کرد سوی مصر با جماعتی از صحابه و یک ماه برفتند برای حدیثی که از عبدالله انیس انصاری بدیشان رسیده بود که از پیغامبر_صلی الله علیه و سلم_ روایت می‌کرد، تا از وی بشنیدند» (همان: ۵۳۴) را نقل می‌کند که نمونه‌های تاریخی از این دست مهاجرت‌ها هستند. وی استدلال می‌کند که سفرهای زیادی از زمان صحابه پیامبر تا زمان کنونی [دوران زندگانی غزالی] روی داده که در جهت کسب علم دینی بوده و می‌توان آنها را از جمله مهاجرت‌های موقت نام برد.

۲. کسب علم اخلاق نفس: غزالی درباره مهاجرت برای کسب «علم اخلاق نفس» نیز اهمیت فراوان قائل بوده و بر این اعتقاد است که اگر فردی در طول عمرش تنها در سرزمین

خود (زادگاهش) سکونت داشته باشد، «خبایث^۱ او ظاهر نشود» (همان: ۵۳۵)؛ بدین علت که وی به «آنچه موافق طبع اوست از مألوفات^۲ معتاد» (همان: ۵۳۵) انس گرفته باشد. در واقع، فرد با سکونت دائم در یک منطقه به شرایطی عادت می‌کند که به طبع و سرشت او سازگار است و در این شرایط ناپاکی‌ها و معایبش هویدا نمی‌شود. اما زمانی که «رنج سفر بر وی نهاده شود و از مألوفات دور کرده آید و به مشقت غربت ممتحن^۳ گردد، غایله^۴‌های وی روشن گردد و بر عیب‌های وی وقوف افتد، و مشغول شدن به علاج آن گردد» (همان: ۵۳۵). بنابراین فردی که در وطن خود ساکن است و اسباب و لوازم آسایش برایش فراهم است، امکان «اصلاح خُلق و تهذیب آن» (همان: ۵۳۵) فراهم نمی‌شود. در حالی که با مهاجرت‌های نیمه دائم می‌توان «پوشیده-ها را کشف کرد» (همان: ۵۳۵) و اخلاقیات افراد را عریان می‌سازد. چنانچه بشر حافی می‌گوید: «سفر کنید تا پاکیزه شوید. زیرا آب تا جاری است پاکیزه است و چون مُقام^۵ آن به یک موضع بسیار شود تغییر پذیرد» (همان: ۵۳۵). در مهاجرت‌هایی که به سبب کسب علم اخلاق صورت می‌پذیرد، سفر به معنای «مخالطت^۶ی است با زیادت مشغولی و تحمل مشقت» (همان: ۵۳۵). به عبارتی این نوع از مهاجرت‌ها سختی‌ها و مشقت‌های زیادی را با خود به دنبال خواهد داشت اما مهاجرتی است واجب.

۳. کسب علم در باب آیات الهی: مهاجرت برای کسب علم در باب «آیات الهی» که در پهنای زمین گسترده است، از منظر غزالی برای «اهل بصیرت فایده‌ها» (همان: ۵۳۵) در آن نهفته است. چه «در زمین چیزهایی است به یکدیگر نزدیک و کوه‌ها و بیابان‌ها و دریاها و انواع حیوان و نبات» (همان: ۵۳۵). همه موجودات و نباتات زمین و آسمان‌ها بر «وحدانیت خداوند» (همان: ۵۳۵) گواهی می‌دهند و «به زبانی تیز [فصیح] تسبیح وی می‌گویند و آن را در نیابند، جز

۱. (خ ی) (ص . ا) . ج خبیث . (خ) [ع .] (ص .) . ۱ . پلید، ناپاک . ۲ . بد سیرت . ج . خبثاء (لغت‌نامه دهخدا).

۲. مألوف: [م ء] (ع ص). آشنا. آموخته. انس گرفته و مأنوس و خو کرده شده. عادت کرده شده و معتاد.

۳. (م ت ح) [ع .] (م ف) . امتحان شده (لغت‌نامه دهخدا).

۴. غایله: [ی ل] (ع ا) . دشواری. سختی. بدی. گزند. فساد. الشر و المهلكة (لغت‌نامه دهخدا).

۵. مقام: [م / م] (ع مص) . اقامت و آرام کردن بجائی (لغت‌نامه دهخدا).

۶. (م ل ط) [ع .] مخالطة [مص ل .] آمیزش و معاشرت داشتن (لغت‌نامه دهخدا).

آنکه با زبان دل گوش دارد» (همان: ۵۳۵). اما کسانی که اهل بصیرت نیستند و به عبارتی منکران، غافلان و تمامی کسانی که به زیبایی‌ها و خوبی‌های دنیا فریفته شدند، این آیات را نمی‌بینند و نمی‌شنوند. زیبایی‌هایی که «لمعان [درخشندگی]» آن به «سراب» شبیه است. البته مراد از شنوایی در اینجا شنوایی باطن است چراکه شنوایی ظاهر همچون اصوات و آواهایی است که در این زمینه «آدمیان با دیگر حیوانات شریک‌اند» (همان: ۵۳۶-۵۳۵). بنابراین فرد مهاجرت به سرزمین‌های دیگر را برمی‌گزیند تا با روش استقرائی و کنار هم قرار دادن نشانه‌های عالم به خدا برسد و به وحدانیت او یقین پیدا کند.

- علل عبادی

علت تأثیرگذار دیگری که غزالی از آن یاد می‌کند جابه‌جایی در جهت عبادت است، یا غزو^۱ یا حج. علاوه بر سفر حج و سفرهایی که به علت جنگ واقع می‌شود، باید گفت «زیارت انبیاء و علما و اولیاء» (همان: ۵۳۸) و «زندگان عالم و پارسا» (همان: ۵۳۸) نیز از موارد این نوع مهاجرت است و همچنین «زیارت گور پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه و تابعین و دیگر علما و اولیا» (همان: ۵۳۷). چراکه افرادی که دیدارشان در زمان حیات متبرک است «زیارت گورشان بعد از وفات» (همان: ۵۳۷) نیز متبرک است. غزالی سخنی را از پیامبر (ص) نقل می‌کند که گفته‌اند:

«لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛ سفر نباید کرد مگر سوی سه مسجد: این مسجد من و مسجد مکه و مسجد بیت المقدس» (همان: ۵۳۸).

در کنار اهمیتی که زیارت مکه و مدینه با خود به همراه دارد و غزالی نیز در باب مرتبط با «حج» مفصل آن را تشریح نموده، زیارت مسجدالاقصی نیز فضیلت بسیاری به همراه دارد. قابل ذکر است که این نوع مهاجرت از نوع مهاجرت‌های کوتاه‌مدت است. همان‌گونه که متفکر

۱. (غ) [ع . ۱] (مص ل . ۱) جنگ کردن با دشمن . ۲. (۱) جنگ‌هایی که پیغمبر شخصاً در آن حضور داشتند (لغت‌نامه دهخدا).

مسلمان نقل می‌کند که «ابن عمر از مدینه بیرون آمد و به بیت‌المقدس رفت تا پنج نماز در آن بگذارد و روز دیگر بازگشت» (همان: ۵۳۸).

از نظر غزالی مهاجرت دائم به این سرزمین‌ها قربت را به همراه دارد «زیارت... جایی باشد چون مکه و مدینه و بیت‌المقدس و در بندهای میان کفر و اسلام، چه مقیم شدن در آن قربت است» (همان: ۵۳۴-۵۳۳) و توصیه بر این است که بعد از مهاجرت به دلیل عبادت به سرزمین زادگاه و مبدأ بازگردد.

اما در مجموع، غزالی زیارت زندگان را از زیارت مردگان برتری می‌دهد. سبب این برتری و اولویت را به فواید زیارت زندگان مرتبط می‌سازد که یکی از آنها «طلب برکت دعاست» و دیگری «برکت دیدن ایشان» (همان: ۵۳۸). این قسم از مهاجرت بیشتر در علم گردشگری در قالب سفرهای زیارتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

- گریز از عوامل آشفته‌کننده دین

علت دیگر «برای گریختن باشد از سبب اینکه دین را مشوش کند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۳۸). این نوع گریز از آن چیزی که انسان توان تحملش را ندارد علاوه بر نیکو بودن، از سنت‌های پیامبران (ع) است. این نوع مهاجرت‌ها در طول تاریخ نیز فراوان صورت می‌پذیرفته است. کسانی که امکان سفر در راه دین با مشغله‌های دنیوی برایش میسر نیست، واجب و جزء فرایض محسوب نمی‌گردد؛ زیرا طی طریق دین فراغت را از انسان طلب می‌کند. هرچند که «آدمی هرگز فارغ نتواند بود از ضرورت حاجات خویش ولیکن سبکبار تواند بود» (غزالی، ۱۳۸۳: ۴۶۰). وی نقل می‌کند که: «سفیان ثوری گفت: این روزگار بدی است، گمنام در آن ایمن نیست، پس حال مشهور چگونه روزگاری باشد؟ این روزگاری است که مرد را از شهری به شهری نقل باید کرد، هرگاه که به جایی مشهور شود باید جای دیگر رود. و بونعیم گفت: سفیان ثوری را دیدم که سبوی^۱ بر دست و انبان^۲ی بر پشت انداخته، گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: شنیده‌ام که در فلان

۱. سبوی ج. [س] (۱) ظرف سفالین یا غیر آن که آب در آن کنند یا غیر آن (لغت‌نامه دهخدا).

۲. انبان. [آم] (۱) ظرف چرمی که در آن زاد نگه دارند. توشه دان (لغت‌نامه دهخدا).

موضع نرخ‌ها ارزان است [طعام ارزان‌تر می‌دهند]، آنجا می‌روم تا مقیم شوم، چه آنجا به سلامت دین و کمی اندیشه نزدیکتر باشد. و این گریختن است از گرانی نرخ» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۴۰).

اگر فرد مذکور (سفیان ثوری) را به‌عنوان یک انسان نوعی در نظر بگیریم، افراد به علل اقتصادی و بالا بودن قیمت‌ها و هزینه‌ها و با سبک و سنگین کردن هزینه و درآمد، به این نتیجه برسند که این دو (هزینه و درآمد) با یکدیگر هم‌خوانی ندارد و فرد قادر به امرار معاش نمی‌باشد، تصمیم به ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر را گرفته و آن را عملی می‌کند. غزالی افراد را انسان‌هایی عقلایی در نظر می‌گیرد که برحسب موقعیت و شرایط تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و این شرایط اجتماعی-اقتصادی است که میل به مهاجرت را در افراد به‌وجود می‌آورد. در مکاتب و رویکردهای نظری کلاسیک و نئوکلاسیک آراء و عقاید اندیشمندانی مانند آدام اسمیت (۱۷۷۸)، روانشتاین (۱۸۸۹-۱۸۸۵)، آرتور لویس (۱۹۵۴)، ساستاد (۱۹۶۲)، هاریس و تودارو (۱۹۷۰)، مطرح می‌گردد که دیدگاه‌های اقتصادی نسبت به مهاجرت داشته و آن را جستجوی عقلانی و هدفدار و با برنامه‌ای دقیق، به منظور یافتن مکانی ممیز برای کار و زندگی تصور می‌کنند. و مهاجرین را اشخاصی به‌شمار می‌آوردند که به‌طور عقلایی برای دستیابی به زندگی بهتر اقتصادی برانگیخته می‌شوند. همچنین در تحقیقات نظری و تجربی بسیاری از جمله وحیدی (۱۳۶۴: ۴۸)، اصلانی (۱۳۸۵: ۶۳)، بیابانی و عصار (۱۳۸۷: ۴۷-۴۶) و (بهوروز ۱۳۷۴: ۱۱۶) به نوعی علت اقتصادی یکی از علل مهم و اساسی در مهاجرت عنوان شده است.

- گریز از عوامل آسیب‌رسان به جسم انسان

علت چهارم مهاجرت گریز از چیزهایی است که جسم انسان را دچار آسیب کند. به عبارتی برای «گریختن باشد از چیزی که تن را باطل کند، چون طاعون؛ یا مال را زیان دارد، چون قحط و آنچه بدان ماند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۴۰). این نوع مهاجرت‌ها، که در آن حَرَجی نیست، در بعضی مواقع، واجب و در برخی مواقع مستحب محسوب می‌شود. غزالی طاعون را مستثنی قرار می‌دهد و می‌گوید مهاجرت به دلیل شیوع طاعون، واجب نبوده و نباید به‌خاطر آن گریخت. وی

می‌نویسد: «أسامة زید روایت کرد که پیغامبر _صلی الله علیه و سلم_ گفت: ای، این درد یا این رنجوری عذابیه است که حق تعالی بعضی امتان^۱ را که پیش از ما بودند بدان عذاب فرموده است، پس آن هنوز در زمین باقی مانده است، گاهی رود و گاهی آید؛ پس هرکه بشنود که آن در زمینی هست، باید که در آن زمین نرود؛ و اگر در زمینی که او در آن باشد اتفاق افتد، باید از آن نگریزد» (همان: ۵۴۰). و خبر دیگری نیز وجود دارد که «عایشه روایت کرد که پیغامبر _صلی الله علیه و سلم_ گفت: ای، نیست شدن امت من به جنگ باشد و به طاعون. گفتند: جنگ را می‌دانیم، طاعون چیست؟ گفت: غده‌ای باشد چون غده اشتر که در جای‌های نرم از اندام‌هاشان پدید آید، و هر مسلمانی که در آن بمیرد شهید باشد و کسی که بر آن اقامت نماید از راه جسبت^۲، چون کسی بود که در ثغری^۳ برای خدای تعالی مقیم شود، و کسی که از بگریزد، چون کسی باشد که از قتال کافران چون هر دو صف فراهم آیند بگریزد» (همان: ۵۴۰). یا مهاجرت «محکول دمشقی از أمّ ایمن» (همان: ۵۴۰) نیز بر این نکته تأکید دارد که از طاعون نباید گریخت و به شهری که طاعون در آن شیوع پیدا کرده باشد، نباید مهاجرت نمود.

براساس گفته‌های فوق‌الذکر، می‌توان عنوان نمود که تا اینجا غزالی سفر یا مهاجرت را به مهاجرت‌های ۱. مذموم؛ ۲. محمود و ۳. مباح تقسیم نموده است. مهاجرت‌های مذموم خود بر دو قسم هستند. یعنی یا حرام هستند مانند سفر «کسی که عاق باشد» (همان: ۵۴۱) و/یا مکروه هستند مانند «بیرون آمدن از شهر طاعون‌زده» (همان: ۵۴۱). مهاجرت‌های محمود نیز خود به دو بخش واجب و مستحب تقسیم می‌شوند. مهاجرت‌های غیردائمی چون حج و طلب علمی، که بر هر مسلمانی واجب است، جزئی از مهاجرت‌های واجب هستند و مهاجرت به سبب زیارت علماء و زیارت مشاهد آنان از جمله زیارت‌های مستحب به حساب می‌آیند (همان: ۵۴۱). یک دسته از مهاجرت‌هایی نیز صورت می‌پذیرند که واقع شدن آنان مباح است. مباح بدین معنای «در

۱. امتان. [أمّ م] [ا]ج امت است با الف و نون فارسی (لغت‌نامه دهخدا).

۲. ح (ب) [ع . حسبه] [ا]. مزد. اجر. ثواب از خدای (فرهنگ معین).

۳. ثغری. [ث] [ع ص نسبی] منسوب است به ثغر که مرز است یعنی آنجاها که نزدیک به کفار می‌باشد (لغت‌نامه دهخدا).

آن نه منفعتی باشد و نه مضرتی» (همان: ۵۴۴). در ادامه به دو نمونه از این نیت‌ها و دلایل که برانگیزنده این نوع از مهاجرت‌ها هستند اشاره می‌شود.

- **کسب پول:** مهاجرت در جهت تجارت و کسب درآمد یکی دیگر از دلایل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی افراد است. چنین تجارتی اگر برای طلب دنیا باشد، مباح بوده و اگر برای بی‌نیاز کردن خانواده از روی خلق صورت گیرد، نوعی طاعت محسوب می‌گردد. ولی اگر از روی زیاده‌طلبی و برای تفاخر و تجمل سفر کند، چنین سفری در راه شیطان است (غزالی، ۱۳۸۴: ۴۶۰). زمانی که فرد در منطقه مبدأ زمینه‌های جهت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، کار و فعالیت‌های اقتصادی را فراهم نبیند تصمیم به مهاجرت می‌گیرد. فنشئین (۱۹۹۸: ۶۳۲) به نقل از حاجیان (۱۳۸۷) نیز بر این اعتقاد است که در مکان‌هایی که امکانات تولید یا تجارت و حمل و نقل گسترش پیدا کرده، مهاجرت به آن مکان‌ها نیز افزایش یافته است. از طرفی، این عامل به‌نوعی با گرانی و بالا بودن قیمت‌ها در مبدأ، که در بالا ذکر شد، در ارتباط تنگاتنگ قرار داشته و به‌نوعی مکمل یکدیگر هستند. دیدگاه وی به نظر غزالی بسیار نزدیک بوده و شباهت زیادی دارد.

- **تماشا و تفریح:** تماشا و تفریح نیز از دیگر عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی افراد است که هم علم جمعیت‌شناسی و هم گردشگری در صدد شناخت آن برمی‌آیند. غزالی معتقد است که این نوع سفرها (مهاجرت‌ها) به قصد گردش و برای تماشای حال و احوال مردمان مختلف در سرزمین‌های دیگر صورت گیرد بدین علت که «اندکی باشد و گاهگاه رواست» (غزالی، ۱۳۸۴: ۴۶۱). اما اگر فردی بیهوده و بدون هیچ هدفی به سفر بپردازد و تنها دیدن شهرهای نو و مردمان نو را هدف گیرد، «علما را در چنین سفری خلاف» (همان: ۴۶۱) است. غزالی با وجود اینکه نقل می‌کند که «گروهی گفته‌اند که این رنجاندن خود باشد بی‌فایده و این نشاید» (همان: ۴۶۱)، اما حتی تماشا و دیدن مردمان سرزمین‌های دیگر را نیز به‌عنوان یک هدف معرفی می‌کند و آن را بیهوده نمی‌پندارد، و می‌گوید: «و... این حرام نباشد که تماشا نیز غرض است» (همان: ۴۶۱). هرچند این علت بیشتر به علم گردشگری تمایل دارد اما او برای

مطرح می‌کند که «تعدادی از پژوهشگران از این فرضیه طرفداری کرده‌اند که کوچندگان در جستجوی تفنن بهتر یا زرق و برق‌ها ...» (۱۳۷۰: ۷۹) تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

مهاجرت و توسعه

غزالی در کنار فواید و فضیلت‌هایی که برای جابه‌جایی‌های مکانی برمی‌شمرد و برای آن اهمیت قائل است، مانند مهاجرت در جهت علم‌آموزی، تفنن و... بر این اعتقاد است که عواملی که منجر به «گریختن» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۳۳) فرد از سکونتگاهش می‌گردند که مهم‌ترین آن عامل اقتصادی و شیوع بیماری‌هاست باید توسط سیستم سیاسی جامعه برطرف گردند تا چنین مهاجرت‌هایی صورت نپذیرند. چراکه چنین گریختنی احتمالاً به صورت دائم رخ داده و در نتیجه، مسبب کاهش جمعیت خواهد بود. همان‌گونه که پژوهشگران کنونی اذعان می‌دارند که بین مهاجرت و توسعه اقتصادی-سیاسی مناطق رابطه تنگاتنگ وجود دارد (زمردیان، ۱۳۶۴: ۲۲۸). بدین معنا که هم عدم توسعه سبب گریز (عوامل دافعه به تعبیر امروزی) افراد می‌گردد و هم مهاجرت کردن می‌تواند در جهت «جستن» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۳۳) یا به تعبیری عوامل جاذبه صورت گیرد و توسعه و آبادانی را به ارمغان آورد. لذا عوامل دافعه‌ای که گریختن را ناشی می‌شوند باید برطرف گردند تا عمران و آبادانی حاصل آید.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال بوده که غزالی در اثرش *احیاء علوم‌الدین* چه نظراتی درباب مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای «نوشونده» (پرسا، ۱۳۷۴: ۳۱۱) مطرح نموده است. با توجه به نوشته‌های غزالی باید اذعان کرد تعریف مهاجرت از نظر غزالی با علم معاصر جمعیتی، تا حدودی متفاوت است. در علم امروزی، بُعد جسمی مهاجرت مدنظر است. بُعدی که سنجش‌پذیر و در عین حال جابه‌جایی جسم افراد از یک مکان به مکان دیگر را به نمایش می‌گذارد. اما، غزالی، علاوه بر بُعد ظاهری، بُعد باطنی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. وی حتی بُعد باطنی را مرجح بر بُعد ظاهری می‌داند. جابه‌جایی باطنی افراد، امروزه، در مباحث عرفانی و دینی

مورد بحث قرار می‌گیرند. از دیگر یافته‌های تحقیق، مربوط به انواع مهاجرت‌های ظاهری یا مهاجرت تن است. وی مهاجرت گروهی (گروه‌های دو یا سه نفره) را بر مهاجرت فردی ترجیح می‌دهد. در علم امروزین جمعیت‌شناسی، مهاجرت‌های فردی به‌عنوان مهاجرت‌های اجباری تعبیر می‌شوند. تفاوت نگاه غزالی با علم امروزین در این است که وی مهاجرت‌های گروهی را اختیاری و براساس اراده مهاجران تعریف می‌کند.

علاوه بر توجه به انواع مهاجرت برحسب ملاک‌هایی نظیر زمان و تعداد؛ بحث اساسی غزالی در باب عوامل و زمینه‌هایی بوده که منجر به مهاجرت فرد می‌شدند. این علت‌ها را در قالب عوامل جُستن و عوامل گریختن معرفی نموده است. عوامل پیوسته با ناحیه مقصد که مسبب جاذبه فرد مهاجر می‌شوند، شامل کسب علم و آموزش همچون نظام آموزشی و تحصیلی کارآمد، استادان متخصص در علوم زمانه نظیر فقه و کلام که همگی در راستای علوم دینی و اخلاقی معنا می‌یابند. همچنین برای زیارت قبور انسان‌های پارسا و زاهد، فریضه حج و زیارت قبور ائمه اطهار(ع) از دیگر عوامل جُستن به حساب می‌آیند. باید در نظر داشت که عواملی چون اکتساب علم تحت عناوینی همچون فرار مغزها و غیره در علم امروز مورد بررسی قرار می‌گیرند. هرچند که نقطه افتراق غزالی با دیگران، تأکید وی بر علوم دینی بوده است، اما عواملی چون زیارت انسان‌های پارسا یا زیارت ائمه، تقریباً مورد غفلت واقع شده است.

غزالی به عوامل پیوسته با ناحیه مبدأ که منجر به گریختن می‌شوند نیز توجه کرده است. یکی از این عوامل، تورم و گرانی است که در ذیل علل اقتصادی طرح می‌شوند. در علم امروزین نیز، نظریات مختلفی مانند آدام اسمیت (۱۷۷۸)، روانشتاین (۱۸۸۹-۱۸۸۵)، آرتور لویس (۱۹۵۴)، ساستاد (۱۹۶۲) و هاریس و تودارو (۱۹۷۰) بر تأثیر علل اقتصادی بر تصمیم به مهاجرت افراد تأکید کرده‌اند. البته باید در نظر داشت، در نگاه غزالی، مهاجرت به دلیل گرانی و شرایط نامساعد اقتصادی، در جهت دستیابی به رفاه اقتصادی بالا نیست. بلکه مهاجرت به دلیل مزبور، زمانی ضرورت می‌یابد که مشکلات و گرفتاری‌های اقتصادی فرد از انجام امور و فرایض دینی به دور سازند. بنابراین داشتن سطحی از آرامش ذهنی از تأمین معیشت اهل و خانواده برای رسیدگی به امور دینی لازم است. همان‌گونه که غزالی مهاجرت

برای کسب تجارت و مال برای طلب دنیا و بی‌نیازی از خلق را مباح ولی برای تفاخر و تجمل را سفری در راه شیطان قلمداد می‌کند. از عوامل دیگر گریختن، عواملی چون بیماری‌ها که به انسان را با خطر مرگ مواجه می‌سازند یا قطعی که علاوه بر آسیب‌رسانی به جسم، مال انسان را نیز دچار خسران می‌کند. یکی از نکات حائز اهمیت در اندیشه غزالی این است که وی به بیماری‌های اپیدمیک همچون طاعون توجهی خاص مبذول داشته است. وی توصیه می‌کند که اعضای جامعه نه به شهر طاعون‌زده مهاجرت کنند و نه از شهر طاعون‌زده خود بگریزند. وی مهاجرت در اثر طاعون را مکروه قلمداد می‌کند. امری که نمونه آن در نظریات دیگر اندیشمندان مطرح نشده است.

درنهایت، غزالی عوامل جاذبه و دافعه مهاجرت را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد و نتیجه حاصل از این ارتباط را عزم مهاجرت می‌داند. شاید بتوان این‌گونه ادعان نمود که رویکرد غزالی به مهاجرت ملهم از رویکرد اسلامی است که اساساً در این رویکرد، مهاجرت در بسیاری از موارد ممدوح است و امکان بازانندیشی در شیوه زندگی و مدیریت تعلقات را برای مهاجران فراهم می‌نماید.

در کنار نکات مثبت فوق، احتمالاً در نگاه اول بتوان از وجود نقصان و کاستی‌های در اندیشه غزالی سخن به میان آورد. نظیر عدم توجه وی به مباحثی مانند سیاست‌های ملی و بین‌المللی مهاجرتی، ویژگی‌های روانی و شخصی مهاجران و همچنین عدم ارائه آمار و ارقام از مهاجرت‌های صورت پذیرفته و... اما چنین برداشتی از یک‌سو، نتیجه سطحی نگریستن و ازسوی دیگر، حاصل در نظر نگرفتن و نادیده انگاشتن تفاوت میان دوره‌های کنونی و دوران زندگی متفکر است؛ چراکه شاید دلیل اساسی مطرح نشدن مباحث فوق مسئله نبودن آنها و همچنین در دسترس نبودن اطلاعات آماری است. به عبارت دیگر، بسیاری از موضوعات و ابعاد مهاجرتی در دوران جدید تبدیل به مسئله اجتماعی-جمعیتی و بعضاً بحران گشته‌اند.

نکته دیگری که حائز اهمیت است، نوع زندگی شخصی غزالی می‌باشد. هرچند که تعمیم تجربه زیست اندیشمند برای تحلیل و استنتاج اندیشه‌ها و متون علمی وی عمل چندان مناسبی به نظر نمی‌رسد؛ باوجوداین، باید عنوان نمائیم که وی در طول عمر خویش هم سفر [هجرت]

باطنی (دوران عزلت‌نشینی) (غزالی، ۱۳۶۶: ۶) و هم سفر [هجرت] ظاهری (نظیر مهاجرت به گرگان، نیشابور و...) را تجربه نموده است. شاید بتوان گفت که وی تجربیات زندگی عملی خویش را در نوشته‌هایش پیاده نمود و علاوه بر این جهت مستندسازی و قابل دفاع بودن آنها به صورت مداوم به احادیث و سخنان گهربار پیامبر (ص) و ائمه و امامان معصوم اشاره داشته یا اینکه حوادث تاریخی را نقل می‌نماید. علت چنین استنادی می‌تواند به روحیات و اعتقادات دینی و مذهبی این متفکر مسلمان باز می‌گردد. در مجموع، با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می‌شود برای رسیدن به اندیشه‌های غزالی و استفاده از آنها در تبیین و تحلیل کنش‌های مهاجرتی در سطح کشور نیاز به مطالعات عمیق‌تر و دقیق‌تر آثار غزالی متناسب با توان‌های ذاتی افکار و تفکرات پخته وی در باب ابعاد مختلف موضوع می‌باشد که اجرای این کار اگرچه در کوتاه‌مدت به شکلی کارآمد بروز نخواهد کرد، ولی در دراز مدت اثرات مثبتی خواهد داشت.

منابع

- اژدر، علیرضا (۱۳۸۸)، «غزالی و فلسفه نفس»، پیام نور در حوزه علوم اسلامی، دوره ۱: ۶۴-۴۹.
- استالکر، پیتر (۱۳۸۰)، کار در غربت (مهاجرت)، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- اصلانی، مجتبی (۱۳۸۵)، «بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی (با تأکید بر مهاجرت داخلی به تهران)»، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۵۵ و ۵۶: ۸۲-۴۵.
- انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل مفهوم فرزندآوری از دیدگاه امام محمد غزالی»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۲(۲): ۳۹-۱۷.
- اوبرای، آرس (۱۳۷۰)، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون، تهران: سروش.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضاعلی؛ رحمان‌پور، محمد (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی»، تربیت اسلامی، دوره ۲(۴): ۲۱۷-۱۹۳.

- بلندهمتان، کیوان (۱۳۸۹)، «نفی کلام در اندیشه غزالی»، *اندیشه دینی*، شماره ۳۶: ۱۰۰-۸۵.
- بهشتی، احمد (عارف)؛ یعقوبیان، محمدحسن (۱۳۸۷)، «وحی نبوی از دیدگاه غزالی»، *اندیشه نوین دینی*، دوره ۴ (۱۳): ۴۸-۹.
- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴)، *زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- بیابانی، غلامحسین؛ عصار، محمدتقی (۱۳۸۷)، وضعیت مهاجرت‌های غیرقانونی در جهان، *فصلنامه جمعیت*، شماره‌های ۶۲ و ۶۱: ۸۰-۳۹.
- پروسا، رولان (۱۳۷۴)، *آنالیز جمعیت‌شناسی، ترجمه منوچهر محسنی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورسینا، زهرا (۱۳۸۶)، «گناه در نگاه غزالی»، *آینه معرفت*، شماره ۱۲: ۱۸۱-۱۵۵.
- توانا، محمدعلی؛ آذرکمند، فرزاد (۱۳۹۴)، «مقایسه حکومت اقتدارگرا و جایگاه مردم در آن در اندیشه امام محمد غزالی و توماس هابز»، *پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)*، شماره ۱۷: ۴۹-۷۶.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، *مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی‌فرد، تهران: انتشارات دفتر بین‌المللی کار.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- توکلی‌پور، محمد؛ علی زمانی، امیرعباس؛ پارسا، علیرضا؛ محمدی، ناصر (۱۳۹۵)، زبان دین از دیدگاه غزالی، *پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت)*، دوره ۱۴ (۲): ۴۶-۲۵.
- حاجیان، امیر (۱۳۸۷)، *بررسی تحولات ترکیب و توزیع جمعیت شهرستان کرج با تأکید بر مهاجرت ۱۳۶۵-۸۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- خادمی، عین‌اله (۱۳۹۳)، «سعادت عظمی از منظر غزالی»، *فلسفه و کلام اسلامی*، دوره ۴۷ (۲): ۲۵۱-۲۲۵.
- خوانساری، محمدامین؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۳)، «آثار دین‌داری با تأکید بر آرای روان‌شناختی غزالی در احیاء علوم‌الدین»، *فلسفه دین*، دوره ۱۱ (۴): ۷۵۹-۷۸۸.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۸)، «غزالی و فلسفه اسلامی»، *جاویدان خرد*، دوره ۶ (۳): ۱۰۰-۸۷.

- رحیم‌پور، فروغ السادات (۱۳۹۱)، «نقدی بر جایگاه زن در اندیشه غزالی»، پژوهش‌نامه زنان، دوره (۱) ۳: ۷۱-۱۰۰.
- رضوان، هادی (۱۳۸۹)، «نگاهی به اندیشه‌های فلسفی-کلامی غزالی»، زبان و ادبیات فارسی، دوره (۲) ۱: ۷۱-۹۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۶)، فرار از مدرسه درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: سمت.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، قصه ارباب معرفت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سلیمانی، صدیقه؛ عالی عباس‌آباد، یوسف؛ آریان، حسین (۱۳۹۷)، «تطبیق دو مفهوم تعلیم و تربیت براساس آراء غزالی و عنصرالمعالی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۰ (۳۸): ۸۴-۵۵.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۶۶)، احیاء علوم‌الدین، ترجمه مویلدالدین محمد خوارزمی و به کوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۸۴)، کیمیای سعادت، به تصحیح محمد عباسی، تهران: انتشارات طلوع.
- قادری، حاتم (۱۳۷۰)، اندیشه سیاسی غزالی، تهران: وزارت علم خارجه جمهوری اسلامی ایران (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی).
- کتابی، احمد (۱۳۸۷)، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کتابی، احمد (۱۳۸۷)، «مفاهیم جمعیت‌شناختی در فرهنگ و ادب پارسی»، فصلنامه جمعیت، شماره-های ۳۲ و ۳۱: ۳۰-۶.
- لائوست، هانری (۱۳۵۴)، سیاست و غزالی، ترجمه مهدی مظفری، جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۷)، درآمدی بر مطالعات جمعیت‌شناسی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

- متز، آدام (۱۳۶۲)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا (رنسانس اسلامی)*، جلد دوم، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- محرم‌خانی، فریبرز (۱۳۸۹)، «بررسی اندیشه ایران‌شهری بر آرای سیاسی امام غزالی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۵(۲۰): ۲۰۵-۱۷۳.
- مرتضوی، سیدرحمان (۱۳۹۲)، *همسرگزینی در اندیشه غزالی*، دوره ۳(۲): ۱۷۴-۱۵۷.
- ناجی، زهره سادات؛ جوادی، محسن (۱۳۸۸)، «روانشناسی اخلاقی غزالی»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، دوره ۱۱(۴): ۱۴۸-۱۲۹.
- ندایی، هاشم؛ کوهستانی، رضا (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی آرا تربیتی ابوحامد محمد غزالی و آگوستین قدیس»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۴: ۷۴-۵۵.
- وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)، *مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن*، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۱)، *غزالی‌نامه*، تهران: انتشارات فروغی.
- Feinstein, C. (1998), "English real Wages Revisited", *Journal of Economic History*, 58: 625- 58.
- Harris, G. R.; Micheal P. Todaro. (1970), "Migration, Unemployment & Development: Two Sector Model", *American Economic Review*; No. 60: 126-142.
- Lewis, W. Arthur. (1954), "Economic Development With Unlimited Supplies of Labour", *School of Economic and Social Studis*, No. 22: 139-191.
- Mangalam, J.J. Morgan, C. (1968), *human migration: a guide to migration literature in English 1955-1962*, University of Kentucky Press: Lexington.
- Peterson, W.; Peterson, R. (1986), *dictionary of demographic terms, and institutions*, Greenwood: Westport.
- Revenstein, E. C. (1889), "The Laws of Migration", *Journal of the Royal statistical Society*; Nos. 48 & 52: 196-208.
- Sjaastad, Larry A. (1962), "The Coasts & Returns of Human Migration", *Journal of Political Economy* و No. 703: 80-93.
- Smith, Adam. (1778), *An Inquiry Into the Nature and Causes of Wealth*, London: Routledge.